

مروری بر عملکرد مجلس اول شورای ملی در عصر مشروطیت

۱ شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۱۱:۰۸

پس از فتح تهران، فاتحان در میدان بهارستان گرد آمدند. این گردهمایی، که مجلس عالی نامیده شد، گروهی را برای رسیدگی به امور تعیین کرد. مهم‌ترین کارگردانان صحنه جدید در میان همین گروه بودند که به نام‌های کمیسیون فوق‌العاده و هیئت مدیره موقت به کار پرداختند.

مشروطیت، از جمله حوادث مهم تاریخ ماست که، با تأثیر عمیق و ماندگارش در سیاست و فرهنگ این سرزمین، نقطه عطفی در تاریخ کشورمان به شمار می‌آورد و از همین‌رو، پیوسته حجم عظیمی از پژوهش‌ها و تحقیقات تاریخی را به خود اختصاص داده است. گذشت زمان نیز، نه تنها از اهمیت بحث در باره این رویداد مهم تاریخی نکاسته، بلکه بر آن افزوده است، و امروزه بسیاری از صاحب‌نظران، بررسی مشروطیت و کاوش در ریشه‌ها و پیامدهای آن را، برای آشنایی نسل حاضر با پیشینه فرهنگ و سیاست کشور خویش، و عبرت‌گیری از آن در جهت بهبود وضعیت کنونی خود، امری حیاتی می‌دانند.

جریان مشروطه، چونان هر حادثه و رویداد تأثیرگذار در تاریخ، به لحاظ فکری و عملی، «ریشه‌ها» و پیش‌زمینه‌هایی دارد و «پیامدها» و تبعاتی. درباره ریشه‌ها و مبانی نظری و سیاسی مشروطیت، تا کنون سخنان زیادی گفته شده و تقریباً ریشه‌های فکری و تاریخی این جریان (از مبارزات مردم ایران به رهبری علما با قراردادهای استعماری رویت‌ر و رژی و... در زمان ناصرالدین‌شاه و فرزند وی گرفته، تا رسالات انتقادی سید جمال‌الدین اسدآبادی و ملکم‌خان، و مقالات روزنامه‌های کلکته و مصر و قفقاز، و تکاپوی انجمن‌های سری ماسونی و شبه ماسونی و...) کامبیش روشن و مشخص شده است — هرچند دفتر بحث در این زمینه، هنوز صفحات سفید بسیاری دارد. ولی در باره آثار و پیامدهای (مثبت و منفی) مشروطه در کشورمان، تا کنون کاوش و تحقیق لازم صورت نگرفته و احیاناً تنها به بیان پارهای کلیات، اکتفا شده است. و این در حالی است که، ما — به لحاظ تاریخی — بلافاصله پس از جریان پرنشیب و فراز مشروطه، وقایع مهم و اثرگذاری چون کودتای سوم اسفند (۱۲۹۹ شمسی) و در پی آن تأسیس دیکتاتوری پهلوی (۱۳۰۴ شمسی) را داریم، و علاوه بر این، تعداد قابل ملاحظه‌ای از سران و فعالان جنبش مشروطه نیز، در ماجرای کودتا و حوادث متعاقب آن، حضور و نقش مؤثر دارند.

عملکرد مجلس اول شورای ملی در عصر مشروطیت

پس از فتح تهران، فاتحان در میدان بهارستان گرد آمدند. این گردهمایی، که مجلس عالی نامیده شد، گروهی را برای رسیدگی به امور تعیین کرد. مهم‌ترین کارگردانان صحنه جدید در میان همین گروه بودند که به نام‌های کمیسیون فوق‌العاده و هیئت مدیره موقت به کار پرداختند. مؤثرترین افرادی که مدیریت وضعیت جدید را به عهده داشتند عبارت بودند از: محمدول‌خان تنکابنی (سپهدار)، حاجعلی‌قلی‌خان بختیاری (سردار اسعد)، سیدحسن تقی‌زاده، ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)، صادق صادق

(مستشارالدوله)، عبدالحسینخان سردار محیی (معز السلطان)، حسینقلهخان نواب، مرتضقلهخان صنیعالدوله (نخستین رئیس مجلس اول)، میرزا محمدقلهخان تربیت، میرزا حسنخان وثوقالدوله (بعدها عاقد قرارداد ۱۹۱۹)، حاجسید نصرالله تقوی و سلیمان خان میکده. با توجه به پیشینهشان، همه این افراد از مشروطهخواهانانند، به جز سپهدار و سردار هم که به تازگی به مشروطیت پیوسته بودند و در مقام رهبری مشروطه جدید قرار گرفته بودند. ۱.

نخستین اقدام رهبران جدید، عزل محمدقلهشاه و نصب احمدشاه به جای او و تعیین علیرضاخان عضدالملک به عنوان نایب السلطنه بود. ریاست نظمیته تهران هم به پیرمخانی ارمنی سپرده شد. آنان پس از آن، دولت جدید مشروطه را برگزیدند. در این دولت، سپهدار، وزیر جنگ؛ سردار اسعد، وزیر داخله؛ ناصرالملک، وزیر خارجه؛ میرزا حسن مستوفیالممالک، وزیر مالیه؛ عبدالحسین میرزا فرمانفرما، وزیر عدلیه؛ صنیعالدوله، وزیر علوم و فتحاللهخان سردار منصور، وزیر پست و تلگراف بودند. این کابینه، ابتدا بدون رئیس بود ولی پس از مدتی سپهدار رئیسالوزرا شد. ۲.

اقدام بعدی آنان، از میان برداشتن کسانی بود که از نظر آنان با مشروطه دشمنی داشتند. افرادی را به عنوان اعضای دادگاه برای رسیدگی و تعیین تکلیف دشمنان مشروطه تعیین کردند. دانستن نام اعضای دادگاه و شناختن ماهیت آنها نیز مفید به نظر میآورد. شیخ ابراهیم زنجانی (به عنوان دادستان)، جعفرقلهخان سردار اسعد (فرزند علقلهخان سردار اسعد)، نصراللهخان خلعتبری اعتلاءالملک (از بستگان سپهدار)، میرزا علیخان مجاهد (برادر میرزا محمدعلی تربیت)، عبدالحسینخان شیبانی وحیدالملک، عبدالحمیدخان یمیننظام (سردار مقتدر کاشی)، سید محمد معروف به امامزاده (برادر حاجی میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران)، احمدقلهخان مجاهد (از برادران میرزا کریمخان رشتی و عبدالحسینخان سردار محیی) و میرزا محمد (مدیر روزنامه نجات)، اعضای این دادگاه بودند. اینان چند نفر را اعدام کردند که دارای اهمیت چندانی نبودند، یعنی نمیتوانستند در مشروطه جدید اخلاقی به وجود بیاورند. مفاخرالملک، صنیعحضرت، آجودانباشی و میرهاشم دوچی از اینگونهاند. یکی دیگر از اعدامشدگان مرحوم حاج شیخ فضلالله نوری بود که از اهمیت بسیاری برخوردار بود. اصولاً مشروطهخواهان سکولار دو قدرت را مانع اهداف خود میدانیدند، یکی محمدقلهشاه و دربار، و دیگری شیخ فضلالله نوری. از دیدگاه بسیاری از مشروطهخواهان، توان شیخ برای رویارویی با مشروطه مورد نظر آنان، از توان دربار بیشتر بود. ۳.

بنابراین، حذف شیخ یک هدف مهم بازیگران جدید بود. دادگاه یاد شده در ۹ مرداد ۱۲۸۸، یعنی نزدیک به ۱۵ روز بعد از فتح تهران، ایشان را محاکمه و محکوم به اعدام کرد. تحلیل جریان محاکمه و اعدام او نیز خارج از این بحث است و در این مقال نمیآید. همین اندازه که او پیشنهاد حمایت سفارت روس و حتی سفارت دولت اسلامی عثمانی را نپذیرفت و چون به مواضع خود ایمان داشت، به گفته کسروی: «چون به پای دار رسید خود را نباخت و رشته خویشتنداری را از دست نداد و به خونسردی با مردم سخنانی گفت.» ۴

آنچه مهم است، این است که در دوره مجلس اول، همه کمبودها، بحرانهها و آشوبها، نابسامانیها در اجرای قوانین و اداره امور و ... به حساب دسیسههای دربار و فعالیتهای شیخ گذاشته میشود. به بیان دیگر، انقلابیون در قالب ادعای بالا، بر همه ضعف مدیریتهها و ناکارآمدیهای خود سرپوش میکنند. اما در این مرحله، با عزل محمدقلهشاه و اعدام شیخ، همه بهانهها بریده شد. در وضعیت جدید، احمدشاه افزون بر دارا بودن طبعی آرام و دمکراتمنش، طفل نابالغی بود که امکان هیچگونه تأثیرگذاری بر تصمیمگیران انقلابیون را نداشت، چه رسد به مخالفت با آنان. عضدالملک نایب السلطنه هم به صلاحاندیشی و صلحجویی شهره بود. شیخ اعدام شده بود و روحانیون مخالف مشروطه سکولار هم اعدام و تبعید و منزوی شده بودند. آیتالله سیدمحمد طباطبایی و

آیتالله سیدعبدالله بهبهانی از تبعید بازگشتند و حمایت علمای نجف نیز همچنان برقرار بود. ۵. آخوند خراسانی در تلگرافی به حاکمان جدید، ضمن اعلام پشتیبانی از نهضت، برای سامان‌یابی و پیشرفت امور رهنمودهایی به آنان ارائه داد. در تلگراف ایشان چنین آمده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم - مجلس محترم عالی و هیئت معظمه وزراء عظام دامت تأییداتهم - هر چند بدیهی است تخلیص دولت و مملکت از این مهالک فعلیه با این حالت حالیه و کثرت مخارج و بلاپولی دولت موقوف به کمک و اعانت عموم ملت است و البته غیرت دینیه و حمیت وطنی و همت اهل ایران هم از سایر [املل] غیرتمند عالم که در مقام حفظ وطن چه اموال بذل نموده و ملامت نمایند کمتر نخواهد بود، لیکن بشرط آنکه ابواب حیف و میل و مداخله و اجبار کمیته‌های سریه و ستاریه و غیرها و سایر چپاولچیان مملکت که خود را مجاهد ملی قلم داد و ملت فلک‌زده را از همه چیز بیزار کردند مسدود کرده و زمام جمع و حفظ و صرف در مصارف لازمه مملکت در هر یک از بلاد بکف کفایت معتمدین ملت که امانت و دیانتشان معلوم است موکول باشد و مثل دوره سابق که معلوم نشد وجهی که بعنوان اعانه و بانک ملی جمع و کجا رفت نباشد، معلوم است با اجتماع شرایط معروضه اول افراد ملت در دارائی از دادن اقلأ یک تومان و علیهذا لقیاس در راه حفظ وطن مضایقه نخواهند داشت و جهاد فی سبیل‌الله خواهند دانست و این خادمان شریعت مطهره هم آنچه تکلیف دینیه و وطنیه مقتضی است عموماً اعلام خواهیم نمود انشاءالله تعالی و باید القای این اعمال در طهران بامضای علماء و امرا و شاهزادگان و وجوه تجار معین و در سایر بلاد هم انجمنهای ایالتی و ولایتی بامضاء عموم علماء و اعیان تعیین و بداعیان هم اطلاع بدهید. انشاءالله تعالی

من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی ۶

پی نوشتها:

۱. منصوره اتحادیه. مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه. تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵. صص ۱۱۹-۱۲۰.
۲. همان، ۱۳۰.
۳. پرواند آبراهامیان. ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لایبی. تهران، نشر نی، ۱۳۷۷. صص ۱۳۲.
۴. احمد کسروی. تاریخ هیجده ساله آذربایجان. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶. صص ۶۷.
۵. جان فوران. مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پیش از انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین. تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷. صص ۲۸۲.
۶. روزنامه حبال‌المتین، کلکته، سال ۱۷، شماره ۲۱، ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۷، صص ۷.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/49773/مروزی-شورا-اول-مجلس-عملکرد-مروزی>